

تحلیل سیر هفت وادی عرفان در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز

چکیده

عام‌ترین، فضای قدسی، فضای طبیعت مخلوق خداوندی است که بیشترین قداست را به وسیله حق بودنش، ارائه می‌کند. فضای قدسی، مکانی است که در آن، جهان ما و جهان دیگر با یکدیگر مرتبط می‌شوند و با تصور اینکه از آغاز، تصویر سه منطقه کیهانی از ذهن بشر گذشته است، این موضوع تصدیق گشته است که چون به هم پیوسته نیستند، پس پیوستگی میان آن‌ها ناممکن است، زیرا در وهله نخست، گذار از مرتبه‌ای به مرتبه دیگر و خاصه گذار از زمین به آسمان، فقط در فضای قدسی عبادتگاه امکان‌پذیر است. این امکان گذر از مرتبه‌ای به مرتبه دیگر را می‌توان در عبادتگاه‌هایی از قبیل آرامگاه‌ها مشاهده کرد. در این راستا، فرضیه مطرح شده در نیل به هدف پژوهش، این است که با سیر هفت وادی عرفان از طریق عناصر معمارانه در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز می‌تواند ابزاری برای تداوم فرهنگی سنت ساخت بناهای قدسی در دوران کنونی باشد. از این‌رو، در پژوهش حاضر از روش تحقیق پساساختارگرایانه و تفسیری استفاده شده است. نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که هفت وادی عرفان از نگاه عطار که طلب، عشق، استغنا، توحید، حیرت، فقر و فنا است که به غیر از فرم و هندسه این بنا، در جای‌جای این آرامگاه این هفت وادی به ارزنده‌ترین شکل مورد توجه معمار بوده است.

اهداف پژوهش:

۱. فهم انحاء حضور به هفت وادی عرفان در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز.
۲. بررسی چگونگی ایجاد فضای قدسی براساس عرفان.

سؤالات پژوهش:

۱. حضور هفت وادی عرفان را چگونه می‌توان در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز تبیین کرد؟
۲. آموزه‌های عرفان در تداوم فرهنگی ساخت بناهای قدسی چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟

کلیدواژه‌ها: فضای قدسی، هفت وادی عرفان، آرامگاه، شیخ عبدالصمد نطنز.

مقدمه

معماری قدسی و ساخت فضای معنوی در ایران کنونی با چالش‌های فراوانی روبه‌روست و آنچه ساخته می‌شود در راستای سنت تاریخی ساخت فضای قدسی در ایران قلمداد نمی‌شود. این درحالیست که معماری بناهای قدسی در ایران، یکی از بارزترین مشخصه‌های معماری ایران در طول تاریخ بوده است و در دوران کنونی، تداوم و پیوستگی خود را از دست داده است. از این‌رو، پرداختن به راه‌کارها و رویکردهای فهم آن سنت و احصای اصول و مبانی بازتولید آن فضا، ضروری به‌نظر می‌رسد. امروزه در ساخت بناهای قدسی شاهد فراموشی اصول و معیارهای هنر و معماری قدسی گذشته هستیم. امر قدسی که در گذشته بسیار به آن توجه می‌شد و از طریق عناصر چهارگانه و اسطوره‌ها در بناهای قدسی القاء می‌شد، امروزه ناشناخته مانده است و پیوستار میان گذشته و حال همراه با امر اسطوره‌شناسی در بناهای قدسی، از بین رفته است. با این وجود که در جامعه اسلامی، انسان جانشین خدا بر روی زمین است که بر بسیاری مخلوقات برتری دارد و این جهان به‌عنوان مکانی برای زندگی او واقع شده همچنین از آنجا که هدف زندگی انسان جهت شکوفایی کمال نهفته در وجود خود، برای دستیابی به جهان حقیقت است و این زمین به‌عنوان وسیله‌ای جهت صلاحیت یافتن انسان جهت آمادگی به حیات جاوید است ضرورت پیش می‌آید که انسان، محیط و معماری (مسکن، فضا) خود را با فرهنگ دینی و معنوی برقرار نمایند؛ همان‌گونه که این ارتباط به‌وسیله هنر قدسی و معنوی در معماری گذشته ایرانی - اسلامی آمیخته شده است (مهدی‌نژاد و همکاران: ۲۰۱۶).

ایران، کانون تمدن اسلام به‌ویژه هنر اسلامی بوده است و مبانی هنر قدسی اسلام را می‌توان در این مرزوبوم جست‌وجو کرد. برای درک هنر قدسی باید معنای امر قدسی و نیز معنای هنر را درک کرد. همان هنری که امروز از در زندگی بشر به فراموشی سپرده شده و به انزوای عکس و قاب‌ها موزه‌ها منتهی شده است (ناصر: ۱۳۸۰). البته منشأ صدور امر قدسی، عالم حقیقت است که فوق عالم مادی است و نباید با آن اشتباه شود. هنر اسلام دارای گنجینه عمیق عرفانی و مفاهیم از ارزشمندی حکمت الهی است، زیرا این هنر ریشه در بنیان‌های عمیق تفکری معنوی و حقیقی دارد. این هنر معنوی با رمزپردازی و تزئینات وارد معماری قدسی می‌شود و معماری را استعلایی می‌کند (موسوی: ۱۳۹۲). معماری قدسی از ساحت معنا وجود می‌یابد. پژوهش در باب معماری قدسی و به‌طور کلی هنر معنوی از سوی اندیشمندانی چون نصر، بوركهارت و ... دنبال شده و هنوز هم جای کار بسیار دارد. هنر قدسی از سرچشمه روحانی مذهبی خاص الهام می‌گیرد و در نبوغ آن سهیم است (حق‌طلب و کاروان: ۲۰۱۲). زبان رمزی این هنر با قالب مذهب مزبور پیوند دارد؛ بنابراین، معماری قدسی و اصیل آن است که با تکیه بر اصول معماری معنوی بتواند فضای مادی و معنوی را به‌گونه‌ای فراهم کند که از خلوص، تعادل، صمیمیت و آرمش برخوردار باشد (صادقی و همکاران: ۲۰۱۶).

بارزترین تجلی‌گاه هویت و معنویت استعلایی انسان را می‌توان در لایه‌های پنهانی هنر قدسی بررسی کرد؛ هنری که در آن تمامی وجود انسان در فرآیند کشف حقیقت جنب‌وجوش می‌کند. راز و رمز هنر قدسی در همان حکمت، معنویت و حقیقت‌نهایی آن خلاصه می‌شود که در کالبد معماری به شهود و بروز رسیده است. هنر در معماری قدسی فضا توسط صورهای استعاری و نمادین واقع در آن جنبه کیفی پیدا می‌کند (مرادی و همکاران: ۲۰۱۴).

فضای عبادتگاه، چه کوچک و چه شکوهمند، در اصل فضایی قدسی است که فضای عرفان بی حد و حصر و نسبتاً مجهول، آن را در میان گرفته است. این فضای پیرامون به‌راستی هاویه‌گون است، چون سازمان‌یافته و به‌درستی شناخته شده نیست، حدود و ساختارش، مشخص و معلوم نیست. ضمن اینکه فضای عرفانی، آشکارا در تضاد با فضای قدسی

است، زیرا فضای قدسی دارای حدود مشخص و کاملاً ساختارمند است و به اصطلاح مرکزیت یافته و متمرکز است (زمردی: ۱۳۹۱). برترین تجلی‌گاه معماری قدسی در وادی مسلمین، در ساختار فیزیکی و معنایی مساجد ظاهر شده که خود نمودی آشکار از توازن، تعادل، نظم و تجسم وحدانیت خداوند است (صادقی و همکاران: ۲۰۱۶). بنابراین پیوند میان هنر و معماری قدسی در بناها با به‌کارگیری عناصر چهارگانه و شناخت اسطوره‌ها (با نگاهی زمینی) متبلور می‌شود. عناصری که عناصر چهارگانه تشکیل‌دهنده شبکه معنایی متعلق به رمزپردازی زمین در اساطیر، بر شالوده‌ای از تضادهای میان چهار عنصر پایه و وحدت و یگانگی نهایی آن‌ها مبتنی شده است. در این نظام معنایی، دو آخشیج خاک و باد در اساطیر، علاوه بر تقابل نمادینی که با دو عنصر دیگر (آب و آتش) دارند، خود صاحب ارزش‌های نمادین قائم به ذاتی هستند. از همین‌رو، این عناصر ابزار بیان قداست هستند و منجر به غنای حسی در بناهای قدسی می‌شوند. در این راستا، در طرح مسئله مقاله حاضر، به بررسی سیر هفت وادی عرفان از نگاه عطار در بنا قدسی (آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز) با رویکرد اسطوره‌شناختی پرداخته می‌شود.

پژوهش‌های پیشین در این زمینه در دو حوزه قابل‌بررسی است. نخست پژوهش‌ها و نظریه‌های کلانی که به رابطه میان هنر، معماری و امر قدسی پرداخته‌اند دوم، پژوهش‌هایی که معطوف به حوزه عرفان در هنر و معماری ایران بوده است. در عمده‌ترین پژوهش‌های عرفان در هنر و معماری و بناهای قدسی، حمزه‌نژاد (۱۳۹۱) در رساله دکتری خود به بررسی اصول مفهومی طراحی بناهای مذهبی شیعه، پرداخته و دریافت که معماری مذهبی ایران نوسانات و حتی خروج از اعتدال‌هایی را در برخی دوره‌ها همچون دوره آذری نشان می‌دهد، ولی در کل سیری رو به پیشرفت در آن مشاهده می‌شود. رحیمی‌مهر (۲۰۱۳) به بررسی نقش رموز عرفانی در پایداری مجموعه آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی پرداخت و دریافت که در ضمیر سازندگان بنا این تصویرها بوده و به همراه آن‌ها چیزی معنوی‌تر و آن آرزوی درهم‌شکستن محدودیت بشری و دست‌یافتن به عروج و نقش‌ها و رنگ‌ها، آرزو جهانی بهتر را در خود دارند.

زمانی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی بازشناسی و تحلیل جایگاه عناصر موجود در باغ ایرانی با تأکید بر اصول دینی-آیینی پرداختند و دریافتند که نتایج حاصل بیانگر آن است که باغ ایرانی نظامی حکیمانه و کمال‌گراست که عناصر طبیعی آب و گیاه را به نحوی در خود جای داده که نیازهای فیزیکی استفاده‌کنندگان را برآورده می‌سازد، و در همان حال نیز به بعد ماوراءالطبیعه و معنوی آن توجه شده است. عبدالله‌زاده (۱۳۹۴) به بررسی معماری طبایع: تبیین رویکردی درباره نسبت انسان و محیط مصنوع بر مبنای چهارگانه‌ها با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی پرداخت. نتایج بیانگر آن است که معماری طبایع، به‌جای بررسی انسان و محیط به‌مثابه دو امر شناختی متفاوت، این دو را به طریقی مشابه می‌شناسد و از سه طریق امکان طرح رویکرد طبایع تبیین می‌شود. حمزه نژاد و همکارانش (۱۳۹۴) به بررسی نقش باد در سلامت انسان در طب اسلامی و تأثیر آن در مکان‌یابی و ساختار شهرهای سنتی ایران با استفاده از روش تفسیری و استدالی پرداختند و دریافتند که باد به خاطر تأثیر مستقیمی که بر سلامت انسان دارد یکی از عناصر اولویت‌مند در کامیابی شهر و ساختار آن و معماری بومی هر منطقه است. صادقی و همکارانش (۱۳۹۵) به بررسی بازخوانی مفاهیم و ویژگی‌های معماری قدسی پرداختند و دریافتند که هنر قدسی رهیافتی باطنی، سیطره‌ای کیفی و تجلی‌گاه عالم روحانی است که در هر قالب، صور و ساحتی نفسانی و مادی که متجلی گردد، بیانگر ذات حقیقی و درونی اشیاست و همواره در تلاش است تا با بیانی متعالی و قرآینی عرفانی، عالم مادی را به‌گونه‌ای سامان دهد که دغدغه ذاتی و فطری آدمیان را که همانا دستیابی به شهود و وصال ساحت مقدس حق تعالی است، التیام بخشد. مهدی‌نژاد و همکارانش (۱۳۹۵) به بررسی

جستاری بر ویژگی‌های معماری ایرانی- اسلامی و هنرهای قدسی مبتنی بر تعالی معماری پرداختند و دریافتند که درک رابطه میان ذات و ماهیت هر پدیده، اساسی‌ترین لازمه آشنایی یا درک معماری اسلامی می‌باشد و این درک نیازمند آمادگی روحی خاصی است؛ و اگر کسی بسیار اهل تأمل همراه با اخلاق معنوی باشد، از راز عمیق وجود آن آگاه خواهد شد.

روش تحقیق پژوهش حاضر در سطوح مختلفی صورت گرفته است. در سطح اول، در بخش مبانی نظری پژوهش از روش تحقیق پسا ساختارگرایانه و تفسیری استفاده شده است. حال آنکه در سطح دوم که رویکرد تحقیق است، از رویکرد تحقیق کیفی بهره برده شده است. همچنین در بخش طرح تحقیق از روش‌های گوناگونی در مراحل مختلف پژوهش استفاده شده است. به گونه‌ای که از روش تفسیری تاریخی در مرحله خوانش فضاها در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز بهره گرفته شده است. همچنین از روش پدیدارشناختی نیز در مرحله تفسیر معنایی عرفان و سیر آن در این آرامگاه بهره گرفته شده است.

نتیجه‌گیری

معماری آرامگاهی در ایران به‌ویژه مزار بزرگان و عرفا از قرن هشتم هجری به بعد که اندیشه‌های اسلامی و باورهای عرفانی در ایران تعمیق یافته است، متأثر از نگاه معناگرایی قدسی و عرفانی بوده و اندیشه‌های عرفانی و اسطوره‌ای را در خود متبلور ساخته است. بنابراین، عناصر، اجزا، فضاها، نشانه‌ها و روابط فضایی و انحا حضور انسان در فضاها فراتر از تجسد امر مادی خود است. بر این اساس، در این پژوهش نتایج قضایای استدلال نشان می‌دهد که سلسله‌مراتب فضایی در آرامگاه‌های مورد بررسی، تنوع ظهور عناصر چهارگانه و مواجهه مرتبه‌مند انسان از ورودی تا مقبره مبتنی بر دیدگاه اسطوره‌شناختی آن عناصر معنا دار است. در تحلیل بناهای منتخب، به اتکای فهم اسفار اربعه عرفانی، سیر از خاک به آب، هوا و آتش و عبور از دنیا به سمت برزخ و آخرت، در تطبیق با عناصر چهارگانه، دریافته‌های حسی فضاها، تصاویر مثالی عناصر و اجزا و تناسبات و حرکت به سمت عالم خیال به نحوی آگاهانه به کار برده شده است که بازنمایی اسطوره آفرینش و مرگ، در گذار از توالی فضاها قابل ادراک و فهم است. به اتکای قضایای تجربی، تحلیلی و متافیزیکی مبتنی بر پدیدارشناختی ذهن در استدلال منطقی در بحث، معرفت‌شهودی ادراک فضا، رفتاری کهن‌الگویی را در کاربران ایجاد می‌کند که هدف آن توجه به عالم ماوراء و ادراک امر قدسی است.

دیدگاه عطار در میان صاحب‌نظران مختلف دارای تأثیرگذاری بالاتری است و شواهد موجود در مجموعه شیخ عبدالصمد نطنز نشان از آن دارد که این مراحل با نظرات عطار قرابت بیشتری دارد. عطار در اشعار خویش از هفت وادی نام می‌برد و پس از این مراحل از مرتبه‌ای یاد می‌کند که دیگر نمی‌توان نامی بر آن نهاد و در آنجا دیگر روش معنی خود را از دست می‌دهد: طلب، عشق، استغنا، توحید، حیرت، فقر و فنا. حال این هفت وادی عرفان در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز از طریق عناصر معمارانه که در وهله اول سبب خضوع و فروتنی هنگام ورود می‌گردد به خوبی رعایت شده است، در حالی که در مرحله دوم عرفان (فرم و هندسه) این آرامگاه با فرمی نامنظم بیانگر آشفتگی در حرکت است که موجب برهم‌زدن ساماندهی فضاها می‌شود. از آنجایی که طی طریق هفت وادی عرفان به صورت غیرخطی است، از این رو، نتوانسته است با عرفان ارتباط برقرار سازد. تزئینات در این آرامگاه سبب گشته است تا مخاطب از هفت وادی عرفان به احدیت خداوند به توحید برسد و همراه با آن استغنا و معرفت را درک کند و در مراحل بعدی معرفت، استغنا و توحید در اوج تفکر به خود و خودشناسی با زیارت مقابر و قرار گرفتن در فضای گنبدخانه که حس عروج است، درک

نماید. لذا به طور کلی می‌توان بیان کرد که در این آرامگاه تنها یک مرحله عرفان از نگاه عطار مورد توجه معمار نبوده است، آن هم فرم و هندسه این آرامگاه است.

منابع و مآخذ:

- اتینگهاوزن، ریچارد. (۱۴۰۱). معماری اسلامی (۱). ترجمه: یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت.
- اردلان، نادر؛ بختیار، لاله. (۱۳۹۰). حس وحدت سنت عرفانی در معماری ایرانی. ترجمه: حمید شاهرخ. تهران: نشر خاک.
- الیاده، م. (۱۹۸۶). نمادشناسی قدسی و هنر. ترجمه: مانی صالحی علامه، چ ۱، تهران: انتشارات نیلوفر.
- بسید، روژه. (۱۹۸۳). دانش اساطیران. تهران: انتشارات توس.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۹۹۷). مروری بر اصول و فلسفه هنر اسلامی. ترجمه: دکتر غلامرضا اعوانی، از مجموعه مبانی هنر معنوی، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- پوپ، آرتور. (۱۳۸۸). معماری ایرانی. ترجمه: زهرا قاسمعلی، تهران: انتشارات سمیرا.
- رحیمی مهر، وحیده. (۱۳۹۲). «نقش رمزهای عرفانی در پایداری آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی». مجله مطالعات معماری ایران، شماره ۴، ۱۱۵-۱۳۱.
- رهبرنیا، زهرا؛ رهنورد، زهرا. (۱۳۹۵). «مواجهه با هنر مقدس با فناوری». مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۶، ۱۰۸-۱۰۱.
- زمانی، احسان؛ لیلیان، محمدرضا، امیرخانی، ع و اخوت، ح. (۱۳۹۴). «شناخت و تحلیل جایگاه عناصر در باغ ایرانی با تأکید بر مبانی دینی». فصلنامه باغ نظر، شماره یازدهم، ۳۵-۲۸.
- زمرشیدی، حسین. (۱۳۹۰). «مسجد بی‌نظیر گوهرشاد و هنرهای قدسی معماری». فصلنامه مطالعات شهر اسلامی ایرانی، شماره ۶، صص ۱۷-۳۲.
- زمرشیدی، حسین. (۱۳۹۲). «معماری مساجد ایران و هنرهای مقدس آن». فصلنامه شهرشناسی ایرانی - اسلامی، شماره ۱۵، ۲۰-۵.
- حق‌طلب، طاهره، کاروان، فرهاد. (۲۰۱۲). «مسجد مظهر معماری قدسی». مجله هفت حصار، شماره اول، ۲۸-۲۱.
- حمزه‌نژاد، مهدی؛ اکبری، علی و انصاری، شبنم. (۲۰۲۰). «تجسم تضاد و همخوانی اندیشه‌های موهوم در دو بنای متبرکه مجاور (مسجد جامع و حرم شیخ عبدالصمد در نطنز)». جریان، ۸ (۲): ۱۷-۳۸.
- حمزه‌نژاد، مهدی. (۱۳۹۱). «مبانی مفهومی طراحی بناهای مذهبی شیعه». پایان‌نامه دکتری، عبدالحمید نقره‌کار و غلامحسین معماریان، دانشگاه علم و صنعت.
- ساتری، جلال. (۱۳۸۵). جلال مدخل رمزنگاری عرفانی. تهران: نشر مرکز.
- صادقی، علیرضا؛ احمدی، فریال و بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۵). «بازخوانی مفاهیم و ویژگی‌های معماری قدسی». مجله مطالعات معماری ایران، شماره ۵، ۱۱۵-۱۰۶.

- عبدالله‌زاده، محمد مهدی. (۱۳۹۴). «معماری طبیعت: تبیین رویکردی به رابطه انسان و محیط مصنوعی براساس ربع». مجله مطالعات معماری ایران، شماره ۸، ۱۳۷-۱۵۶.
- فروزان کیا، اسماعیل؛ استاجی، ابراهیم. (۱۳۹۶). «تجلی آتش در اساطیر و ادیان». مجموعه مقالات پنجمین همایش پژوهشی زبان و ادبیات فارسی.
- مرادی، ع؛ نوراللهی، م. عبدالله؛ ع. (۲۰۱۴). «هنر قدسی، معماری اسلامی». دومین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران، دانشگاه جامع علمی کاربردی.
- موسوی، ج. (۱۳۹۲). معماری مقدس و هنر معنوی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۸، ص ۶۶-۷۰.
- مهدی‌نژاد، جمال‌الدین؛ طاهر طلوع دل، محمدصادق؛ عظمتی، حمیدرضا، صادقی و حبیب‌آباد، علی. (۱۳۹۵). «بررسی ویژگی‌های معماری و هنرهای مقدس ایرانی-اسلامی براساس تعالی معماری». پژوهش هستی‌شناسانه دوفصلنامه علمی-پژوهشی، دوره ۵، شماره ۱۰، ۳۱-۵۰.
- نصر، سید حسین. (۱۳۸۰). معارف و امر قدسی. ترجمه: فرزاد حاجی میرزایی، تهران: فرزاد. نشر.
- هلن برند، رابرت. (۱۳۹۱). معماری اسلامی (شکل، عملکرد و معنا). ترجمه: باقر آیت‌الله‌زاده، تهران: انتشارات روزنه.